

# انقلاب قضائی:

## تحقق یکی دیگر از آرمانهای امت حزب الله.

باستصلاح اسلامی را، میتوان یاد کرد. ولی بدون تردید آنچه ایشان ادعا میکنند، با اسلام محمدی (ص) فرسنگها فاصله دارد. چه حضرتش فرمودند: «حلال محمد حلال الی یوم القیامه و حرام محمد حرام الی یوم القیامه»

بنابر این نظام اسلامی، در بردارنده همه احکام و مسائل دین مبین اسلام است. و کلیتی است که میان اجزاء آن بیوندی محکم و ناگسستنی برقرار است. و درست در همین رابطه است، که نظام جمهوری اسلامی ایران بطور جدی و قاطع در تلاش است که همه شئون جامعه ما را، از شکل موجود بصورت اسلامی متحول سازد. چه اگر حاکمیت اسلامی، سیاست اسلامی را می طلبد؛ اقتصاد اسلامی را نیز خواستار است، همینطور فرهنگ اسلامی را... و مسائل حقوقی و قضائی اسلامی نیز، از این مجموعه بهم پیوسته مستثنی نیست. در آغاز بیروزی انقلاب اسلامی هم بموازات تحول عمیق در حاکمیت و دگرگونی یافتهای سیاسی، اقتصادی، نظامی و... دگرگونی مسائل حقوقی و قضائی، پیش بینی شد. خیرگان منتخب امت، در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، استقلال قوه قضائیه را از دیگر قوا، تأمین کرده و شورای عالی قضائی را، در رأس آن قرار دادند. پس از اینکه قانون اساسی برای قاطع ملت تصویب نهائی رسید، به امر امام امت شورای عالی قضائی به ریاست شهید مظلوم دکتر بهشتی تشکیل گردید.

در طول مدتی که از تشکیل شورای عالی قضائی میگذرد، چه در زمان تصدی شهید آیت الله بهشتی و چه پس از آن، کوششهای نمربخشی توسط آن شورا در جهت اسلامی کردن هرچه بیشتر، قوه قضائیه صورت گرفته است. از جمله همین کوششها و تلاشها، تشکیل «بازرسی کل کشور» زیر نظر

در بر نخواهد داشت. همینطور است اگر بخواهیم نظام اسلامی را در جامعه بموقع اجرا گذاشته و اجرا بیاده کنیم. چاره‌ای نیست جز اینکه کلیت اجرا بیجامعه عرضه کرده، و هر قسمتی را در جای خود بکار گیریم. و باز تردید نمی‌توان کرد که بکارگیری قسمتی از آن، جدای از دیگر بخشها یعنی «ایمان آوردن به بعضی از اسلام و کفر ورزیدن، نسبت به قسمتهای دیگر آن» نه تنها مفید نخواهد بود، بلکه زیانهای احتمالی نیز در بر خواهد داشت.

البته کم نیست شعار مدعیانی که در تئوری و عمل، دست به اقدامات اصلاحی زده و اسلام را بزعم خویش زمانی آراسته! و گاه دیگر بیراسته اند! از یکطرف احکامی را که خواسته‌های آنها را تأمین نمیشود، و با سلیقه آنها سازگاری نداشته، از کاسته جان آفرین آن کاسته، و از طرف دیگر، بیرایه‌هایی را، به مقتضای ذوق و سلیقه مخصوص خود، بر آن بسته اند!! از باب نمونه، تئوری و عمل ساققین، و برخی از کشورهای

بسمه تعالی  
نظام اسلامی به مثابه هر نظام دیگر، در برگیرنده مجموعه‌ای بهم پیوسته و ناگسستنی است. از دیدگاه شارع مقدس، اطلاق نظام، صرفاً بر آن مجموعه است که درست و دارای مفهوم خواهد بود. عبارت دیگر، اگر ما بخواهیم از نظام اسلامی سخن بگوئیم، ناگزیریم از کل آن مجموعه و یا با در نظر گرفتن آن مجموعه، راجع به بخشی از آن صحبت کنیم. نه چیزی از آن کم کنیم و نه چیزی بر آن بیفزائیم. زیرا در اینصورت نمی‌توانیم ادعا کنیم که از نظام اسلامی سخن گفته‌ایم، حتی تلفیق بخشی از اسلام با مکتب دیگر، بهر شکل و کیفیتی که باشد، مردود است. چه در حال به کفر و شرک منجر می‌شود و لازمه آن پذیرش نقص و عیب در نظام متعالی و بدون عیب و نقص اسلام است.  
بعنوان مثال، بررسی عدالتی از سوی مردم زوجات، حقوق زن، مالکیت، ارب و... از دیدگاه اسلام، بدون در نظر گرفتن نظام اسلامی، فاقد هرگونه معنی و مفهوم بوده، و نتیجه‌ای جز گمراهی

✱ امام خمینی: اگر بنا باشد حالا هم خدای نخواسته مثل رژیم سابق، در دادگستریها کارهای خلاف شرع شود، خوب باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم.

✱ امام خمینی: از اموری که شاید در کم امری اسلام آنقدر بهش توجه داشته، مسئله قضاوت است، مسئله دادسراها و دادگاههاست، که سروکارشان با همه چیز مردم است.

✱ پس از اینکه قانون اساسی با رأی قاطع ملت تصویب نهائی رسید، به امر امام امت شورای عالی قضائی به ریاست شهید مظلوم دکتر بهشتی تشکیل گردید.

حجة الاسلام محقق داماد و نیز تالیس «دیوان عدالت اداری» به سرپرستی حجة الاسلام امامی کاشانی را میتوان نام برد.

ولی با اینهمه، کوششهای در خورتحصین قوه قضائیه، برای تامین نیازهای مبرم انقلاب اسلامی و خواسته های امت حزب الله کافی نبود. چرا که قوانین و مقررات رژیم منقور سابق هنوز در بخش وسیعی از آن جریان داشت. و فراز و نشیب مقررات طاغوتی خواسته های امت اسلامی را تامین نمیکرد. مردم ما با درک نسبی بی که از اسلام، پیدا کرده بودند، و با توجه به عدالت مطلقه که از امام معصوم و بزرگوارشان علی (ع) در خاطره ها داشتند، و باز با همه علاقه و اشتیاقی که نسبت به اجرای احکام اسلامی، از زرفای جانسان زبانه میکشید، خواستار آن بودند که همه مقررات طاغوتی همچون او بزباله - دانی تاریخ ریخته شود و بسان او به خاموشی و فراموشی گراید. در حقیقت امت حزب الله در امر قضا، نیز خواهان تحول اساسی و بنیادین بود. همان چیزی که در حاکمیت رخ داده بود. و به تبع آن در روابط سیاسی و اقتصادی پدیدار گشته، و نیز در بعد فرهنگی جامعه تحقق یافته بود. و این خواسته برحق «انقلاب قضائی» را ایجاب میکرد.

انقلاب قضائی و تحول اساسی در حقوق قضا، از شکل طاغوتی آن بصورت کاملاً اسلامی نیاز ضروری و فوری جامعه ما بود و لزوم این تحول و دگرگونی بیش از هر تحول دیگر جلب نظر میکرد. زیرا جامعه انقلابی ما، پس از پشت سر گذاشتن دوران التهاب خود اینک به آرامش و امنیت و خصوصاً امنیت قضائی، بسیار محتاج بود. در اوج این نیازمندی فریاد رسای روح خدا، امام خمینی که همواره و در همه شادان و سختیها و تنگناها - بدون استثنا - یاور و دستگیر امت بوده است، یکبار دیگر

از نای بت شکن زمان، به مددش بر آمد که: «تمام قوانین برخلاف شرع زمان طاغوت باید دور ریخته شود.» (۱) و این فریاد، طلسم قضای طاغوتی را شکست، و «انقلاب قضائی» را بنیاد نهاد.

امام خمینی پیش از آنکه این فرمان تاریخی را صادر کنند، در دیدار با روحانیون کاروانهای حج و کارکنان دادستانیهای انقلاب، راجع به اهمیت مسئله قضا فرمودند: «از اموری که شاید در کمتر امری اسلام اقلتر بهش توجه داشته باشد، مسئله قضاوت است. مسئله دادرسیها و دادگاههاست. که سرکارشان با همه چیز مردم است (۲)». با توجه به اهمیت فوق العاده ای که امر قضا از آن برخوردار است و نیز پیوند و ارتباطی که با همه شئون زندگی اجتماعی دارد: «اگر بنا باشد حالا هم خدای نخواستہ مثل رژیم سابق، در دادگستریها، کارهایی خلاف شرع بشود، خوب باید فاتحه این جمهوری را بخوانیم. و این مکرر سفارش شده است که اگر توان ندارید، باید بخشنامه کنید که تمام قضات، بروق شرع عمل کنند. به قوانین سابق اعتنا نکنند. و من حالا اعلام می کنم به تمام قضات سرتاسر کشور، کسانی که متصدی قضا هستند، کسانی که در دادگستری هستند، تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است و برخلاف شرع بوده است، تمام باید دور ریخته شود. (۳)»

رهبر کبیر انقلاب اسلامی، در فرازهای فوق نخست زمینه انقلاب قضائی را فراهم ساخته آنگاه فرمان رسمی آرا، خطاب به فقهای شورای نگهبان و شورای عالی قضائی صادر فرمودند: «شورای نگهبان، شورای قضائی بخش نامه بکنند و همه جا بگویند به اینکه: این قوانین سابق که مخالف شرع بوده نباید عمل بشود. و اگر کسی عمل بکند، مجرم است و باید محاکمه بشود. (۴)»

در پی صدور فرمان لازم الاتباع امام شورای عالی قضائی، بخشنامه ای صادر و طی آن کلیه قوانین و مقررات خلاف موازین اسلامی را فاقد اعتبار، اعلام کرد. در قسمتی از این بخشنامه آمده است: «حضرت امام دام ظلّه العالی در بیانات مهم و تاریخی روز یکشنبه ۳۱ مرداد - ۱۳۶۱ مطابق با دوم ذیحده الحرام ۱۴۰۲ فرمودند: بحکم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و نیز بحکم متمم قانون اساسی رژیم سابق، کلیه قوانین و مقررات که برخلاف موازین اسلام باشد، اعتبار ندارد و لذا بنا بر فرمان مقام معظم ولایت فقیه، شورای عالی قضائی بموجب این بخشنامه مقرر میدارد:

۱- کلیه قوانین گذشته که برخلاف اسلام باشد، ملغی و کان لم یکن است. (۵)»

وبدینگونه یکی دیگر از خواسته های امت حزب الله نیز که دگرگونی در امر قضا بود، تحقق یافت. لازم به یادآوری است که تازه این سر آغاز انقلاب قضائی است. و بنابراین، بیانیه هشت ماده ای امام و رهنمودهای دیگری از اینقبیل و در همین زمینه، نه تنها منافاتی با آن ندارد، بلکه تداوم بخش آن نیز خواهد بود. همانگونه که در بعد فرهنگی، سیاسی، نظامی و ابعاد دیگر انقلاب، تنها و تنها، گامهای نخستین برداشته شده است. انقلاب قضائی نیز تا تحقق همه اهداف متعالی اسلام ادامه خواهد یافت. چرا که توقف آن نیز توقف انقلاب است. و فریاد امت انقلابی ماست که:

تا انقلاب مهدی (عج) نهضت ادامه دارد...  
پاورقیها  
۱- ۲- ۳- ۴- روزنامه جمهوری اسلامی دوشنبه ۱- شهریور ماه ۱۳۶۱  
۵- روزنامه جمهوری اسلامی سه شنبه ۲ شهریور ماه ۱۳۶۱

✽ در حقیقت امت حزب الله در امر قضا نیز خواهان تحول اساسی و بنیادین بود. و این خواسته برحق انقلاب قضائی را ایجاب می کرد.

✽ امام خمینی: تمام قوانینی که در زمان طاغوت بوده است، و برخلاف شرع بوده است، تمام باید دور ریخته شود.

✽ شورای عالی قضائی: کلیه قوانین گذشته که برخلاف اسلام باشد، ملغی و کان لم یکن است.